

An Analytical Approach to the Components of Sustainable Development with a Focus on the Sale of Endowments and the Optimal Transformation of Endowed Properties

1. Mohamad Jahanmihan: PhD Student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, ToH.C., Islamic Azad University, Torbat Heydarieh, Iran
2. Seyed Mohsen Jalali*: Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law Education, ToH.C., Islamic Azad University, Torbat Heydarieh, Iran. Email: dr_smj@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Mansor Amirzadeh Jirkoli: Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law Education, ToH.C., Islamic Azad University, Torbat Heydarieh, Iran
4. Reza Haghpanah: Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran

ABSTRACT

Waqf (endowment) is an institution through which a significant portion of societal issues and constraints can be identified, and the wealth and assets of philanthropists can be voluntarily utilized to address them. The existence of numerous sacred shrines and endowed properties, along with the potential use of *waqf* capacities—particularly the optimal transformation (*tabdil be ahsan*) of endowed assets in Iran—can offer a preliminary illustration of the role of *waqf* in the Iranian economy. Accordingly, examining the components of sustainable development with an emphasis on the sale of *waqf* properties and their optimal transformation, as well as identifying the potential for modernizing and making economic *waqf* themes more functional, can enhance the role of this financial institution in the process of sustainable economic development in the country. Sustainable development implies the eradication of poverty and the elimination of inequality gaps, both within and among countries, and is closely linked to the concept of optimal transformation of endowed assets. The *waqf* institution serves as a mechanism to provide benefits and welfare for the people; therefore, the formulation of legal rulings based on the fulfillment of public interests and benefits, and the avoidance of harm and corruption, is among the objectives of Islamic law. When the impact of *waqf* on economic independence and development is discussed, it does not imply that *waqf* alone can encompass all aspects and dimensions of a nation's economy to the extent that the country would no longer require other financial resources. Rather, it means that *waqf*, as a vast financial capital, can have a constructive and significant impact in this direction.

Keywords: Sustainable development, sale of endowments, optimal transformation, economic development.

How to cite: Jahanmihan, M., Jalali, S. M., Amirzadeh Jirkoli, M., & Haghpanah, R. (2025). An Analytical Approach to the Components of Sustainable Development with a Focus on the Sale of Endowments and the Optimal Transformation of Endowed Properties. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(3), 94-103.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 11 February 2025
Revise Date: 08 April 2025
Accept Date: 21 April 2025
Publish Date:



رهیافتی تحلیلی بر مولفه‌های توسعه پایدار با محوریت بیع وقف و تبدیل به احسن رقبات وقفی

۱. محمد جهان میهن: دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران
۲. سیدمحسن جلالی*: استادیار گروه آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران. پست الکترونیک: dr_smj@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. منصور امیرزاده جیرکلی: استادیار گروه آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران
۴. رضا حق پناه: استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

چکیده

وقف نهادی است که از طریق آن می‌توان بخش قابل توجهی از مشکلات و تنگناهای جامعه را شناخت و اموال و دارایی‌های افراد نیکوکار را داوطلبانه در جهت رفع آن‌ها به کار بست. وجود بقاع متبرکه و موقوفات بی‌شمار، استفاده از ظرفیت موقوفات و بخصوص تبدیل به احسن نمودن رقبات وقفی در ایران می‌تواند تصویر اولیه‌ای از حضور وقف در اقتصاد ایران را به نمایش بگذارد. لذا بررسی مولفه‌های توسعه پایدار با محوریت بیع وقف و تبدیل به احسن رقبات وقفی و شناسایی ظرفیت‌های تبدیل به احسن نمودن رقبات وقفی و نیز امروزی نمودن و کاربردی نمودن سوره‌های اقتصادی وقف، می‌تواند باعث افزایش نقش این نهاد مالی در فرایند توسعه پایدار اقتصادی کشور گردد. توسعه پایدار به معنی ریشه‌کن کردن فقر و از بین بردن شکاف نابرابری هم در داخل کشورها و هم در بین کشورها است و ارتباط تنگاتنگی با مفهوم تبدیل به احسن نمودن رقبات وقفی دارد. نهاد وقف، وسیله‌ای در جهت تامین منافع و مصلحت برای مردم است لذا تدوین احکام مبتنی بر تامین مصلحت و منافع مردم و دوری جستن از ضرر و مفاسد آن، جزء مقاصد شرع اسلام می‌باشد. وقتی سخن از تأثیر وقف در استقلال اقتصادی و رشد و توسعه مطرح می‌شود، هرگز به این معنا نیست که وقف به تنهایی می‌تواند همه‌ی ابعاد و زوایای گوناگون اقتصاد یک ملت را دربر گیرد؛ به طوری که اقتصاد کشور به منابع مالی دیگر نیازی نداشته باشد؛ بلکه منظور این است که وقف به عنوان یک سرمایه‌ی عظیم مالی می‌تواند در این سمت و سو، تأثیری سازنده و شایان توجه داشته باشد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، بیع وقف، تبدیل به احسن، توسعه اقتصادی.

نحوه استناددهی: جهان میهن، محمد، جلالی، سیدمحسن، امیرزاده جیرکلی، منصور، و حق پناه، رضا. (۱۴۰۴). رهیافتی تحلیلی بر مولفه‌های توسعه پایدار با محوریت بیع وقف و تبدیل به احسن رقبات وقفی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۳)، ۹۴-۱۰۳.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۲ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۹ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ چاپ:

وقف به عنوان رکنی اساسی در اقتصاد جامعه، از جایگاه یژه‌ای در جوامع اسلامی و از جمله در ایران می‌باشد.

با بررسی احکام وقف می‌توان دریافت که وقف به معنی واقعی کلمه «جهان شمول» است و نه تنها از چارچوب ملیت فراتر رفته بلکه مرزهای عقیده را نیز پشت سر گذاشته است؛ شارع مقدس به افراد خیر و نیکوکار اجازه داده که با یک دید وسیع جهانی همه انسان‌های محروم و محتاج از هر رنگ و نژاد و ملیت و حتی از هر عقیده و مرام و مسلک را در نظر داشته باشند و برای رفع نیازمندی‌های آنان اقدام کنند. این نهاد عملاً با مفهوم توسعه پایدار (تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی برای حداکثرسازی رفاه انسان بدون آسیب زدن به نسل‌های آتی) اطباق می‌یابد. دنیای امروز تحت فشارهای متعدد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی قرار گرفته است. در حالیکه دین اسلام قرن‌ها پیش، راهکارهای برون رفت از این مشکلات را با پایه‌گذاری وقف و تبدیل به احسن نمودن رقبات را به روشنی ارائه نموده است.

وقف نهادی است که از طریق آن می‌توان بخش قابل توجهی از مشکلات و تنگناهای جامعه را شناخت و اموال و دارایی‌های افراد نیکوکار را داوطلبانه در جهت رفع آن‌ها به کار بست. منافع حاصل از وقف و امور خیریه در دو بعد مادی و معنوی می‌تواند در کاستن مشکلات اقتصادی و اجتماعی، توسعه و پیشرفت جامعه موثر باشد. وجود بقاع متبرکه و موقوفات بی‌شمار در ایران می‌تواند تصویر اولیه‌ای از تاثیر چشمگیر وقف در اقتصاد ایران را به نمایش بگذارد. با توجه به این‌که یکی از مهم‌ترین ابزارهای توسعه اقتصادی در جوامع اسلامی، بهره‌گیری از موقوفات است اما بنابر مطالعات انجام شده چنین به نظر می‌رسد که تاثیر موقوفات در رشد و توسعه اقتصاد کشور، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و به‌کارگیری پتانسیل تبدیل به احسن نمودن رقبات وقفی در توسعه اقتصادی چندان ملموس نبوده است. ضرورت استفاده از ظرفیت‌های اقتصاد اسلامی در کاهش مشکلات اقتصادی و در سطح بالاتر، توسعه اقتصادی به عنوان ظرفیت بالقوه بسیار حائز اهمیت است. (Fakhri, 2016; Khosravi, 2023; Mohammadi, 2016; Nooradini & Alishahi, 2018; Pour Yamini, 2019). در این راستا مطالعات (Khaksar Astanah & colleagues, 2015) نشان می‌دهند که در عرصه اقتصاد، آن‌گونه که باید و شاید از ظرفیت موقوفات و بخصوص در مبحث تبدیل به احسن نمودن رقبات وقفی استفاده نشده است.

منافع حاصل از بیع وقف و تبدیل به احسن نمودن آن قادر است با ارائه و توسعه الگوهای اقتصادی، باعث توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گردد. فقرزدایی و بهبود وضعیت معیشت مردم، کاهش اختلافات طبقاتی و فراهم آوردن امکان تحقق عدالت اجتماعی، افزایش موجودی سرمایه انسانی، کارآفرینی و اشتغال، تامین بهداشت و سلامت همگانی، جبران کمبود خدمات دولتی، تنظیم‌کننده جریان انتقال پول و کالا در اقتصاد، ثبات اقتصادی و تشکیل سرمایه در بازارهای مالی گردد. حجم گسترده موقوفات در کشور می‌تواند بسیاری از اجزای ساختار اقتصادی جامعه را به صورت مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر خود قرار دهد (Khorshidi Azad, 2021). در واقع تعریف اقتصادی تبدیل به احسن نمودن رقبات وقفی را می‌توان تغییر در کاربرد منافع از بهره برداری فردی به بهره‌مندی اجتماعی برای نسل حاضر و نسل‌های آینده به شمار آورد که خدمات و منافع آن موجبات تحقق توسعه پایدار اقتصادی را فراهم می‌آورد. لذا بررسی مولفه‌های توسعه پایدار با محوریت بیع وقف و تبدیل به احسن رقبات وقفی و شناسایی ظرفیت‌های تبدیل به احسن نمودن رقبات وقفی و نیز امروزی نمودن و کاربردی نمودن سوره‌های اقتصادی وقف، می‌تواند باعث افزایش نقش این نهاد مالی در فرایند توسعه پایدار اقتصادی کشور گردد.

مفهوم توسعه‌ی پایدار

«توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای حال حاضر را تأمین کند بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهای خود را به خطر بیندازد.» (Soltani Pour & Damari, 2016) این تعریف شامل دو مفهوم است:

نخست-مفهوم «نیازها» و به‌طور ویژه؛ نیازهای اساسی فقیران جهان را مدنظر دارد که باید به آن‌ها اولویت اساسی داده شود. -ایده محدودیت‌های اعمال شده توسط دولت‌ها از فناوری و سازمان اجتماعی بر توانایی محیط زیست برای تأمین نیازهای فعلی و آینده (Malak Ara, 2024).

به‌طور خلاصه، توسعه پایدار به معنی ریشه‌کن کردن فقر و از بین بردن شکاف نابرابری هم در داخل کشورها و هم در بین کشورها است.

ابعاد توسعه پایدار

توسعه پایدار از سه بعد تشکیل شده است:

بعدزیست محیطی: به معنی توانایی استفاده از منابع طبیعی بدون تضعیف تعادل و یکپارچگی اکوسیستم‌ها. همبستگی اجتماعی: به معنی برابری فرصت‌ها برای افراد که شامل رفاه، کیفیت زندگی و توسعه پایدار انسانی است. توسعه باید نیازهای انسان را برآورده کند، بنابراین به فقر پایان می‌دهد. کیفیت زندگی افراد را بهبود می‌بخشد و یک زندگی امن با حفظ کرامت انسانی را ارائه می‌دهد. این یک انسجام طولانی مدت و اجتماعی است.

کارایی اقتصادی: این گزینه شامل کارایی فعالیت‌های اقتصادی و فناوری، تقویت سرمایه‌گذاری و بهره‌وری، رشد اقتصادی و پتانسیل تولید اقتصادی می‌شود.

از میان ابعاد برشمرده در سطور قبل چنین مشخص است که مفهوم توسعه در دو بعد همبستگی اجتماعی و کارایی اقتصادی، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم تبدیل به احسن نمودن رقبات وقعی دارد. خداوند در سوره اسراء، آیه ۲۷ چنین می‌فرماید: «بی تردید، ولخرجان و اسراف کنندگان، برادران شیطانند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است. فقها نیز در خصوص تبذیر نظرات مشابهی ارائه نموده اند. تبذیر، انفاق مال در جایی است که حقش نیست (Tusi, 2011) یا تضييع و اتلاف است (Baydawi, 1997) و مصرف کردن مال، به صورت غیر منطقی و در غیر مورد خود است (Makarem Shirazi, 1995). پس اگر موقوفه، عرفا یا عقلا در وضعیت بدون مصلحت باشد و عدم اقدام، باعث تضييع موقوفه یا دور شدن از نظر و نیت واقف گردد، در این صورت، عدم بیع یا تبدیل، تبذیر است (Nooradini & Alishahi, 2018).

مفهوم توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی رشد کمی تولید حاصل خواهد شد و همزمان نهادهای اجتماعی نیز متحول می‌شوند، نگرش‌ها تغییر می‌یابد و توان بهره برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش می‌یابد. به علاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهادها نیز در فرایند تولید تغییر می‌کند (Furtado, 2018).

توسعه فرایندی است که در طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و سپس تغییر در الگوهای تولید، توزیع و مصرف خواهد بود (ازکیا، ۱۳۷۰: ۱۱۳). مطالعه برنامه‌های

توسعه و نتایج حاصل از آن، حاکی از آن است که پس از انقلاب ۵۷ کشور ایران، علیرغم برخورداری از غنای منابع طبیعی و ذخایر غنی نفت و گاز، با توجه به تحولات سیاسی این چند دهه و بخصوص اعمال تحریم‌های شدید علیه کشور، به توسعه اقتصادی چشمگیری دست نیافته است. واضح است که نهاد وقف، وسیله‌ای در جهت تامین منافع و مصلحت برای مردم است لذا تدوین احکام مبتنی بر تامین مصلحت و منافع مردم و دوری جستن از ضرر و مفساد آن، جزء مقاصد شرع اسلام می‌باشد (Nooradini & Alishahi, 2018). مصلحت آن چیزی است که سازگار با مقاصد انسان، دنیوی، اخروی، یا هر دو باشد (Muhaghiq Hilli, 1408). محمدی (۱۳۷۲) مصلحت را چنین تعریف نموده: «آنچه باعث خیر و صلاح و نفع و آسایش انسان باشد. مصلحت یعنی بررسی شرایط و تصمیم‌گیری متناسب با آن البته آسان‌گیری به عنوان یکی از مصالح، هم از آن برداشت می‌شود.» (Mohammadi, 2016). یکی از چیزهایی که مذاق شریعت را تشکیل می‌دهد، آسان‌گیری در احکام اسلامی است، چنانچه از آن به مصلحت تسهیل تعبیر شده است (Aminian Modarres, 2002). بنابراین چون محور فعالیت بشر، طبق این تفسیر «احتیاجات» است و بخشی از نیازهای اولیه بشر، ثابت و بخشی دیگر از آن‌ها که حاجات ثانوی می‌باشند، متغیر است، صحیح بوده، زیرا انسان برای رسیدن به هدف‌های واقعی که در زمان و مکان دارد، به اموری احتیاج پیدا می‌کند که آن امور، احتیاجات دوم بشر است (Khosravi, 2023).

نظریه مابکل تودارو

تودارو متخصص سرشناس اقتصاد توسعه در خصوص توسعه معتقد است: توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سمت زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است که سه هدف عمده را پیگیری می‌کند:

- ۱- تامین نیازهای اساسی. همه‌ی مردم در تمامی جوامع نیازهای اساسی معینی ارند شامل غذا، پوشاک، مسکن و امنیت که تداوم بخش زندگی انسان است. نبود یکی از آن‌ها زندگی را به مخاطره می‌اندازد.
- ۲- اعتماد به نفس: دومین جزء زندگی خوب، حالت اعتماد به نفس است. انسان‌ها در تمامی جوامع به دنبال اعتماد به نفس هستند. هرچند ممکن است آن را شخصیت، مقام، احترام، افتخار و غیره نام نهند.
- ۳- توانایی انتخاب: منظور از آن، رهایی از قید و بندهای اجتماعی است که انسان را به سوی ارتکاب گناه و جرایم مختلف، سوق می‌دهد (Coccia, 2019).

رابطه میان مفهوم توسعه پایدار و تبدیل به احسن نمودن رقبات وقفی

سازمان ملل به منظور تحقق توسعه یافتگی کشورها، ضمن تاکید بر مفهوم «مشارکت» اعم از خرد (در سطح یک کشور) و کلان (مشارکت جهانی) چندین هدف ارائه نموده است که شامل موارد ذیل می‌شود: (Soltani Pour & Damari, 2016).

- ۱: پایان فقر و گرسنگی
- ۲: دستیابی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه و ترویج کشاورزی پایدار
- ۳: اطمینان از زندگی سالم و ارتقا رفاه برای همه
- ۴: آموزش باکیفیت، فراگیر و عادلانه را تضمین کرده و فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر
۵. توانمندسازی زنان
۶. مدیریت پایدار آب و فاضلاب

۷: دستیابی به انرژی مقرون به صرفه، قابل اعتماد، پایدار و مدرن

۸: بهبود رشد فراگیر و پایدار اقتصادی، اشتغال کامل و کار مناسب

۹: ایجاد زیرساخت‌های انعطاف‌پذیر، ترویج صنعتی فراگیر و پایدار

۱۰: کاهش نابرابری در داخل کشورها

۱۱: ایجاد شهرها و سکونت‌گاه‌های انسانی فراگیر، ایمن، مقاوم و پایدار

۱۲: تولید و مصرف الگوهای سازگار با محیط زیست

۱۳: اقدامات فوری برای مبارزه با تغییرات اقلیمی (Soltani Pour & Damari, 2016).

تمامی موارد ذکر شده قابلیت اجرا از طریق نهاد وقف را داراست. وقف به عنوان یک سرمایه و منبع بزرگ درآمدی و اقتصادی می‌تواند بسیاری از مشکلات اقتصادی را حل کند و تبدیل به احسن نمودن موقوفات به عنوان یک راهبرد کارآمد و امروزی در تعادل و توازن بخشی به امور اقتصادی و اجتماعی جامعه سهم شایان توجهی را به خود اختصاص دهد؛ این تعادل، خود عاملی است در رسیدن به عدالت اجتماعی و رفاه عمومی که هدف غایی اکثر کشورهای در حال توسعه می‌باشد (Meshkini, 2017).

برخی از آثار عینی تبدیل به احسن نمودن موقوفات با در نظر گرفتن مفهوم توسعه‌ی پایدار شامل موارد زیر است:

الف- پایان فقر و گرسنگی، اطمینان از زندگی سالم و ارتقا رفاه برای همه

تراکم امکانات و سرمایه‌های مالی در دست قشری از جامعه، مانع از توزیع عادلانه آن می‌شود. با غنی شدن قشر اقلیت جامعه (ثروتمندان)، قشر اکثریت جامعه (طبقه ی فقیر) هر روز فقیرتر می‌شوند و این سیر، باعث تشدید شکاف طبقاتی و اجتماعی در جامعه می‌شود. تبدیل به احسن نمودن موقوفات می‌تواند از ادامه‌ی این دور باطل جلوگیری کند و عاملی بسیار مهم در جلوگیری از تجمع و تمرکز ثروت در جامعه شود و سبب توزیع عادلانه‌ی ثروت در جامعه خواهد شد. هم‌چنین موجب ارتقاء سطح زندگی طبقات پایین جامعه می‌شود.

ب- کمک به بخش عمومی و ایجاد زیرساخت‌های انعطاف‌پذیر

امروزه در دوره‌ای هستیم که تشکیلات اداری و دیوانی مملکت، آن قدر وسعت دارد که هرکار ضروری را یکی از دستگاه‌های دولتی انجام می‌دهد؛ مطالعه در تاریخ نشان می‌دهد که در گذشته، احتیاجات، سراسر به دست دولت‌ها انجام نمی‌شد، بلکه بسیاری از این امور را نهاد وقف انجام می‌داد. نهاد وقف، امروز نیز می‌تواند به عنوان یک ابزار مالی، باری از دوش دولت بردارد و بخشی از وظایف دولت را نیز بر عهده گیرد.

ج- بهبود رشد فراگیر و پایدار اقتصادی، اشتغال کامل و کار مناسب

می‌توان گفت امروزه، بخش کثیری از نیروهای فعال جامعه در املاک، تأسیسات، اماکن متبرکه؛ مستغلات بازرگانی، صنعتی و ادارات اوقاف شهرها به کار اشتغال دارند. به عبارتی می‌توان گفت، از طریق بسط و گسترش این نهاد در جامعه می‌توان بزرگ‌ترین معضل جامعه‌ی امروز، یعنی بیکاری، را ریشه کن کرد (همان: ۹۳).

د- ایجاد شهرها و سکونت‌گاه‌های انسانی فراگیر، ایمن، مقاوم و پایدار

واگذاری زمین‌های وقفی با اجاره‌ی طولانی مدت، اجاره دادن مغازه‌ها و کارگاه‌های با اجاره بهای ارزان تر برای افشار ضعیف جامعه، یکی از کارکردهای وقف در جامعه می‌باشد.

ه- کاهش نابرابری و شکاف طبقاتی

در بعد اجتماعی، وقف همچون چتری بزرگ سایه خود را بر سر تمام نیازمندان و محرومان می‌گستراند و جامعه را از فقر، که عامل بسیاری از مفاسد اجتماعی، اخلاقی و سستی در ارکان دینی است، نجات می‌دهد و امکان هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را در محیطی مملو از اخوت و حسن‌ظن، که زمینه‌ساز پیشرفت و تعالی جامعه خواهد شد، فراهم می‌کند. تدبیر شریعت اسلام برای ایجاد توازن اجتماعی وقف است. که از مظاهر عینی آن در جامعه می‌توان به این مورد اشاره کرد:

کمک به مستمندان، کمک به نابینایان، دستگیری از آوارگان و سالخورده‌گان، کمک به مقروضان، حمایت از دور افتادگان از وطن و مسافران گرفتار، تأمین زندگی کودکان بی‌سرپرست و خانواده زندانیان، ارائه کمک‌های نقدی برای آزادسازی زندانیان واجد شرایط (دیه، مهریه، جرایم مالی)، احداث بیمارستان، احداث مدرسه، تأسیس کتابخانه و دیگر مراکز علمی و پژوهشی، ارائه کمک‌های مالی برای تهیه ی‌جهیزیه، تأسیس دارالایتام و تأمین مخارج بهداشت و درمان از جمله مواردی است که واقفان آگاه و خیراندیش به آن توجهی وافر داشته اند؛ احداث بیمارستان و نظارت بر اداره‌ی آنها، ایجاد درمانگاه‌ها، احداث دانشکده‌های پزشکی، تأمین مخارج دانشجویان پزشکی، تأمین مخارج بیمارستان، اختصاص درآمد موقوفات در جهت درمان بیماران نیازمند و....

نتیجه‌گیری

مدیریت موقوفات در راستای دستیابی به توسعه اقتصادی و پایدار با چالش‌هایی روبرو هستند. موقوفات زمانی می‌تواند جایگاه مناسبی در توسعه‌ی اقتصادی داشته باشد که بهره‌وری اقتصادی آن‌ها بالا باشد و سود حاصل از مدیریت بهینه منابع موقوفه قابل توجه باشد. رسیدن به چنین وضعیتی به طراحی مدل‌های مدیریت نوین و به طور ویژه تبدیل به احسن نمودن رقبات وقفی نیازمند است. در مسیر تحقق توسعه اقتصادی از طریق تبدیل به احسن نمودن موقوفات، نکته مهم این است که ابتدا روش‌های افزایش بهره‌وری از موقوفات شناسایی شوند. در راستای هم‌افزایی میان توسعه اقتصادی و تبدیل به احسن نمودن موقوفات برخی از این روش‌ها عبارتند از: اصلاح تشکیلات سازمان اوقاف با رویکرد اقتصادی، تنوع دادن به مصارف وقف، ساخت بناهای جدید، به‌کارگیری ساختمان‌ها و زمین‌های موقوفه بدون استفاده در پروژه‌های اقتصادی، شناسایی پروژه‌های جدید اقتصادی به منظور سودافزایی موقوفات، تغییر کاربری، فروش موقوفه و افزایش نقدینگی به منظور سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، فروش اوراق مالی جهت جلب مشارکت همگانی در جهت بازسازی یا توسعه موقوفه.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The institution of waqf (endowment) has historically played a pivotal role in Islamic societies by channeling charitable wealth toward resolving social and economic disparities. In modern times, particularly within the context of Iran, the strategic deployment of waqf resources through the processes of sale and optimal transformation—referred to in jurisprudence as *tabdil be ahsan*—has

emerged as a powerful yet underutilized tool in the pursuit of sustainable development. The magnitude of waqf assets, encompassing sacred shrines and a multitude of endowed properties, positions waqf as a latent economic force capable of reinforcing national economic resilience. Despite this potential, empirical observations and academic analyses suggest that the economic capacities of waqf properties have not been fully leveraged, particularly in the areas of asset optimization and revenue enhancement. As contemporary societies grapple with multidimensional challenges—ranging from poverty and inequality to environmental degradation—Islamic jurisprudence, through waqf, offers a religiously sanctioned framework to mobilize resources in support of developmental goals. The integration of waqf into economic development planning requires not only regulatory support but also innovative approaches to modernize its mechanisms, making them responsive to present-day socio-economic needs. Scholars have emphasized that when waqf is viewed as a dynamic financial asset rather than a static religious institution, its transformative power in social equity and economic growth becomes more evident (Fakhri, 2016; Khaksar Astanah & colleagues, 2015; Khosravi, 2023; Mohammadi, 2016; Nooradini & Alishahi, 2018; Pour Yamini, 2019).

At the heart of sustainable development lies the imperative to meet current needs without compromising the ability of future generations to meet their own. This dual focus inherently aligns with Islamic principles underlying waqf, which advocate for long-term societal welfare over immediate, individual benefit. The concept of optimal transformation is particularly critical in this regard, as it entails converting low-yield or obsolete waqf assets into more productive forms without violating the original intent of the endower. Economic scholars and religious jurists alike have underscored the compatibility of this concept with broader economic goals such as poverty eradication, social justice, and capital formation (Khorshidi Azad, 2021). The process involves not just physical redevelopment, but also the legal and financial restructuring of waqf properties to improve their utility. This includes converting unused lands into income-generating assets, investing in modern commercial infrastructure, and integrating waqf properties into public-private development partnerships. As such, the optimization of waqf holdings must be understood as a bridge between traditional Islamic economic principles and contemporary models of economic efficiency and inclusivity. This approach also mitigates risks of asset underutilization or degradation, which would otherwise contradict the objectives of waqf and could be deemed as wasteful or even sinful in Islamic jurisprudence (Baydawi, 1997; Makarem Shirazi, 1995; Nooradini & Alishahi, 2018; Tusi, 2011).

Sustainable development is recognized as a multidimensional concept that includes environmental sustainability, social equity, and economic efficiency. Each of these dimensions can be directly or indirectly advanced through well-managed waqf systems. Environmentally, waqf properties can support green projects and sustainable land use planning. Socially, waqf can bridge inequalities by providing accessible services in education, healthcare, and housing. Economically, waqf serves as a stabilizing institution by facilitating entrepreneurship, reducing unemployment, and generating community-based capital investment. These objectives resonate with the Islamic mandate of *maslahah*—the pursuit of public interest—frequently invoked in legal rulings that prioritize societal benefits over rigid textual interpretations. As noted by Islamic jurists, the legal flexibility inherent in Islamic law allows for reinterpretation and adaptation of waqf provisions to address evolving societal needs, particularly secondary necessities that arise from time-specific and location-based circumstances (Mohammadi, 2016; Muhaqqiq Hilli, 1408); (Aminian Modarres, 2002); (Khosravi, 2023). Such interpretive latitude supports modern economic planning models, whereby waqf can serve not only as a moral institution but also as an economically viable engine for growth. Indeed,

Islamic law views the wastage of economic potential—such as leaving waqf properties idle—as a form of mismanagement incompatible with the objectives of Sharia.

The theoretical foundations of economic development, particularly as articulated by Michael Todaro, lend further support to the alignment between waqf and sustainable development. Todaro's framework identifies three core objectives of development: meeting basic needs, fostering self-esteem, and expanding human freedom (Coccia, 2019). Waqf, through its historically rooted mission, inherently addresses these aims by ensuring access to essentials such as housing, education, and healthcare; elevating community self-worth through dignified assistance; and reducing social constraints through empowerment. Moreover, the United Nations' Sustainable Development Goals (SDGs), which span poverty alleviation, education, clean water, energy access, and climate action, are highly congruent with the principles and historical roles of waqf (Malak Ara, 2024; Soltani Pour & Damari, 2016). The sale and transformation of endowed assets—if guided by principles of efficiency, equity, and accountability—could become a crucial mechanism for implementing these global goals within an Islamic socio-economic framework. In this context, the revitalization of waqf institutions can also act as a decentralizing force, redistributing resources to marginalized communities and reducing the state's burden in delivering public services. This collaborative dynamic between religious tradition and developmental modernity positions waqf as both a moral imperative and a pragmatic strategy for national development.

The practical applications of optimized waqf management are wide-ranging. First, the process of *tabdil be ahsan* facilitates the redistribution of wealth by preventing the concentration of resources among the wealthy elite and promoting inclusive access to assets and services. This supports efforts to reduce class-based disparities and enhance community welfare. Second, waqf can alleviate the financial burden on public institutions by providing alternative sources of funding for infrastructure development, public health initiatives, and educational programs. Historical records confirm that many of the responsibilities now held by governments—such as school construction, healthcare services, and housing—were once fulfilled by waqf institutions. Third, optimized waqf use can stimulate economic activity through job creation in the construction, retail, education, and healthcare sectors. Fourth, through the strategic leasing or redevelopment of endowed urban land, waqf can contribute to creating resilient, inclusive, and sustainable human settlements. Finally, the moral authority and communal nature of waqf enable it to function as a tool for social cohesion, offering support to orphans, the elderly, displaced persons, and financially distressed families. This deeply embedded cultural infrastructure of compassion and mutual aid provides a robust platform for building more equitable and harmonious societies (Meshkini, 2017).

In conclusion, the optimal transformation of endowed properties stands as a vital pathway toward achieving sustainable economic and social development. While waqf alone cannot supplant all other financial institutions, it offers a culturally resonant, legally grounded, and economically feasible approach to development that aligns with both national goals and international sustainability frameworks. Realizing this potential requires structural reforms, capacity building in waqf management, and the application of contemporary financial and legal tools to enhance productivity and transparency. These reforms should be tailored to ensure that waqf remains faithful to its founding principles while becoming responsive to modern challenges. By embracing innovative models and encouraging broader societal participation, policymakers and religious authorities can unlock the vast potential of waqf to serve as a cornerstone of equitable and resilient development in Islamic societies.

References

- Aminian Modarres, M. (2002). *Waqf from the perspective of law and regulations*. Tehran: Samt Publishing, 3rd ed.
- Baydawi, A. B. O. (1997). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1st ed.
- Coccia, M. (2019). *Theories of Development*. https://doi.org/10.1007/978-3-319-31816-5_939-1
- Fakhri, S. (2016). *Examining the position of the Organization of Waqf and Charitable Affairs in Iranian Administrative Law* Master's thesis, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Law Department].
- Furtado, C. (2018). *Economic Development of Latin America*. <https://doi.org/10.4324/9780429497995-9>
- Khaksar Astanah, H., & colleagues. (2015). Analyzing the position of the waqf institution in strengthening the country's economy. First Conference on Knowledge-Based Resistance Economy,
- Khorshidi Azad, M. (2021). Identifying the components affecting the lack of economic development in the Islamic Republic of Iran. *Political Sociology of the Revolution*, 2(2).
- Khosravi, M. A. (2023). Waqf through experience. *Waqf: Eternal Heritage*, 27.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir-e Namuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1st ed.
- Malak Ara, M. (2024). Social entrepreneurship and sustainable development. *New World Journal*, 2(5).
- Meshkini, A. (2017). Explaining the position and impact of waqf in Islamic society. Collection of Articles from the International Quran Competitions,
- Mohammadi, B. (2016). *A jurisprudential study of the conversion and change of use of waqf properties* Master's thesis, Razi University, Theology Department].
- Muhaqqiq Hilli, J. B. H. (1408). *Sharaye' al-Islam fi Masail al-Halal wa al-Haram*. Ismailian Foundation, 2nd ed.
- Nooradini, H., & Alishahi, A. (2018). A jurisprudential and legal examination of converting waqf properties to better uses. *Journal of Jurisprudence and Principles*, 50(4).
- Pour Yamini, S. (2019). Factors affecting the decline of the virtuous tradition of waqf and providing new solutions for its revival. *New Research in Humanities, New Series*, 17.
- Soltani Pour, F., & Damari, B. (2016). The status of sustainable development in Iran. *Journal of Health Faculty and Health Research Institute*, 14(4).
- Tusi, M. (2011). *Al-Istibsar fi Ma Ikhtalafa min al-Akhbar*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1st ed.